

بررسی تحلیلی مذهب انوری

محمود مهرآوران*

محمدرضا موحدی**

صغری ممبینی***

چکیده

اوحد الدین انوری ابیوردی از شعرای بزرگ فارسی زبان در سده ششم هجری است که ماهیت مذهب او در کتابهای تاریخ ادبیات ایران و سایر کتب متقدم و متأخر مورد تردید و اختلاف است. چنانکه عده‌ای او را شیعه و برخی از اهل سنت می‌دانند. این مقاله همراه ذکر نظرات مختلف فضلا و علما درباره تشیع و تسنن مذهب انوری، شواهد تازه‌ای را که از دیوان شاعر استخراج شد، ارائه و تحلیل می‌کند تا واقعیت مذهب انوری بیش از پیش روشن شود. همچنین این مقاله مطلب جدید دیگری بر مطالب کتب تاریخ ادبیات ایران می‌افزاید. چنان که در این کتابها فقط ذکر شده است انوری در مدرسه طوس تحصیل کرده است، اما نوشتار حاضر مدارکی ارائه می‌کند دال بر اینکه شاعر بیشتر تحصیلات خود را در مدرسه نظامیه نیشابور گذرانده است که وقف شافعی‌ها بوده است و همین مطلب به کشف نتایج مهمتری از زندگی او می‌انجامد. بدین ترتیب مقاله حاضر، دو موضوع اساسی را در تاریخ زندگی انوری روشن می‌کند و نتیجه آن منجر به شناخت بهتر شاعر و فهم دقیق‌تر این متن والای ادبی و روشن شدن زوایای تاریکی از تاریخ ادبیات ایران می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انوری ابیوردی، قرن ششم، مذهب، تشیع، تسنن، مدرسه طوس، نظامیه نیشابور

* عضو هیئت علمی دانشگاه قم

** عضو هیئت علمی دانشگاه قم

*** عضو کارشناسی ارشد دانشگاه قم

در قرن ششم سلاطین سنی مذهب سلجوقی بر ایران حاکمیت داشتند. در آن روزگار اغلب ایرانیان از اهل سنت بودند و جمعیت قلیلی گرایش شیعی داشتند. انوری ابیوردی شاعر نامدار خراسان در این عهد در میان مردم عصر خود جایگاه ویژه‌ای چون سعدی در قرن هفتم و حافظ در قرن هشتم دارد. چنانکه بعدها او را در کنار فردوسی و سعدی یکی از سه پیامبر شعر فارسی می‌دانند. از انوری دیوانی حاوی تقریباً چهارده هزار بیت با زبانی ساده و روان به جا مانده است. دیوان او ضمن مدح و ستایش بزرگان عصر، مشحون از استشهادات قرآنی، روایی و آموزه‌های دینی است و آراء و افکار او را انعکاس می‌دهد و بازتاب ارزش‌ها و فرهنگ اخلاقی، تاریخی و اجتماعی اوست. در این راستا مذهب انوری مورد مناقشه و نکته‌ای قابل بررسی است. از دیرباز عده‌ای از علما و فضلا مانند قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المومنین، میرزا عبدالله افندی در کتاب ریاض العلماء، سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه و طهرانی مولف الذریعه با دلالت بر اشعار او قائل به تشیع وی بودند. اما آنچه فضلا و محققان متأخر از شعرهای او استنباط کرده‌اند به گونه‌ای دیگر است و در ارائه این نوشتار به نقل و نقد آنها پرداخته خواهد شد. و چنانکه ضرورت دارد موقعیت شیعیان در دوره‌ی انوری و محیط اجتماعی عصر او نیز به اجمال بررسی خواهد شد. این مقاله مذهب انوری را از خلال اشعار او تحلیل می‌کند و شواهدی نو در جهت روشن شدن تسنن انوری ارائه می‌کند و همچنین برخی ابیاتی را که دیگران دلیل تشیع انوری ذکر کرده‌اند با استفاده از اشعار دیوان و تحلیل فضای شعر او، سندی دال بر سنی بودن انوری می‌داند.

موقعیت شیعیان در قرن ششم

در عصر انوری علاوه بر سلاطین سلجوقی، حکومت‌های شیعی مذهب بر بخش‌هایی از عراق و ایران حکومت می‌کردند، چنانکه در کتاب تاریخ ادبیات ایران آمده است «در طبرستان مهم‌ترین خاندانی که در تمام قرن پنجم و ششم قدرت داشته و معمولاً حدود متصرفات خود را تا ری و قوس می‌کشانیده است، خاندان باوندی است. باوندیان ظاهراً از باقیماندگان ملوک الطوائف

اشکانی بوده‌اند. مذهب آنان تشیع و دربارشان پناهگاه رجال شیعی در این عهد بود. خاندان باوندی تا پایان قرن ششم قدرت داشت.» (صفا، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۶۶)

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره خاندان باوندی می‌توان به کتاب مجالس المؤمنین (ص ۳۸۴) رجوع کرد. چنانکه در کتب تاریخی نیز آمده است: «فرقه شیعه اثنی عشری به دنبال سیاست متعصبانه محمود غزنوی و جانشینان او و همچنین نخستین سلاطین سلجوقی دچار زحمت و آزار بودند و علمای سنت و حتی رجال بزرگ دولت نسبت به آنها بدرفتاری‌های کوتاه‌بینانه داشتند ولیکن این سیاست نتوانست چند گاهی ادامه یابد.» صفا، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۷۵ و ۱۷۴. تاریخ ادبیات ایران ج ۱.

دیری نگذشت که به دلایل مختلف از جمله دوران‌دیشی بزرگان مکتب تشیع و به کاربری سیاست اعتدال و مدار و اختلافات از تعصب و لجاجت وضعیت تغییر کرد و با شیعیان با ملایمت بیشتری برخورد شد. تا جایی که حتی در دوره‌های بعد، نفوذ شیعیان در دستگاه سلطنت آغاز شد و با گذشت زمان به حدی رسید که بسیاری از وزیران سلاطین سلجوقی وقتی خلفای عباسی امامی مذهب بودند و بدین ترتیب به تدریج بر قدرت شیعیان افزوده شد و در تظاهرات مذهبی‌شان آزادی بیشتری به دست آوردند، آزادانه به تحصیل می‌پرداختند و حتی کتاب‌هایی در شیوه مذهبی خود یا اثبات عقاید خویش تألیف کردند. **پژوهش‌های ادبی**

بنابراین در قرن ششم (عصر انوری) وضع شیعیان تغییر کرده بود و اقتدار سیاسی آنها بدان حد رسید که شکوه مخالفین آنان را برانگیخت. چنانکه نویسنده‌ی فضائح الروافض با مقایسه وضع دشوار شیعیان در آغاز سلطنت سلجوقیان با وضع آنان در روزگار خود (میان‌ه‌ی سده‌ی ششم هجری) ناخرسندی خود را اینگونه بیان کرد، که به گاه سلطنت محمد بن ملک‌شاه «اگر امیری، کدخدایی داشت رافضی، بسی رشوت به دانشمندان سنی دادی تا ترک را گفتندی او رافضی نیست، سنی یا حنفی است؛ اکنون که خدایان همه‌ی ترکان و حاجب و دربان و مطبخی و فراش، بیشتر رافضی‌اند و بر مذهب رافضی‌ها مسأله می‌گویند و شادی می‌کنند بی‌بیمی و تقیه‌ای.» (قزوینی،

۱۳۵۸ ش، ص ۱۱۳)

نکته دیگر که قابل ذکر است و بررسی آن ضرورت دارد وضع مدارس در قرن ششم است. در کتاب تاریخ ادبیات ایران نقل شده است: «مدارس متعددی در بلاد مختلف ایران احداث شد... و مواد درس عبارت بود از فقه و حدیث و علوم ادبیه و علوم حساب و طب... هر یک از مدارس به یکی از مذاهب اختصاص داشت: زیرا چنانکه می‌دانیم روش تدریس فقه و کلام در مذاهب مختلف اسلامی با یکدیگر متفاوت بود.» (صفا، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۱۸۲)

در کتاب تاریخ آموزش و پرورش در ایران گزارش شده است: «خواجه نظام الملک وزیر مقتدر و معروف سلجوقی جهت ترویج عقاید اسلامی و اکثراً سنی به تأسیس مدارس نظامیه در شهرهای بزرگ آن زمان همت گماشت. (می‌توان گفت که مدارس نظامیه از کهن‌ترین دانشگاه‌های اسلامی بوده است که دانشگاه‌های قرون وسطی اروپا از آن الگو برداری کرده‌اند.) نظام الملک این مدارس را فقط برای پیروان شافعی وقف کرد. نظامیه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار بودند، به طوری که بعضی از اساتید برای تدریس در نظامیه که شافعی مذهب را می‌پذیرفت، تغییر مذهب می‌دادند. (ضمیری، ۱۳۷۵، ۱۲۶ و ۱۲۵)

در لغت‌نامه دهخدا ذیل نظامیه نیشابور آمده است: «این مدرسه در اواخر نیمه اول قرن پنجم ه. ق به امر خواجه نظام الملک برای امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی متوفی سال ۴۸۷ ه. ق بنا شد و ابوالمعالی سی سال در آنجا به تدریس و خطابه و ذکر می‌پرداخت و روزانه سیصد مرد در آنجا به دانش‌آموزی جمع می‌شدند، از طلاب و دانش‌آموزان نامدار این مدرسه‌اند، امام محمد غزالی، و اوحد الدین انوری ابیوری» (دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۵۷۵)

نقد نظر قاضی نورا... شوشتری درباره ی تشیع انوری

قاضی نورا... شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین می‌گوید: «حکیم انوری در شیوه سخن کالشمس فی نصف النهار و در فنون حکمت گستره فیلسوف روزگار بود.» (شوشتری، ۱۳۶۵ ش، ص ۶۲۲) وی، به قول دکتر مدرس رضوی بنابر روشی که در مجالس المؤمنین دارد، انوری را

شیعه‌ی اثنی عشری و پیرو مذهب جعفری دانسته و می‌نویسد: «آنچه دلالت بر صحت عقیده‌ی او می‌کند این دو بیت است که مذکور می‌شود:

ملک بخشا بنده در حرمان میمون درگهت چون خلافت بی علی بودست و بی‌زهر فدک

(ج ۱، ص ۲۷۸، بیت ۲)

مصلحت دید علی و آن فتنه‌ها چون خوابند

بیعت بوبکر و آن فضل اقیلونی چه بود

(ج ۲، ص ۶۴۷، بیت ۱)

نقد و تحلیل

واقعیت آن است که از این ابیات تشیع انوری بیرون نمی‌آید. در بیت اول تعریض و کنایه‌ای احساس می‌شود در بیت دوم اگر قصیده را در محور عمودی و با توجه به کل فضای شعر بررسی و درباره آن قضاوت کنیم، بی‌تردید تشیع انوری را از آن نتیجه نمی‌گیریم. می‌توان گفت که دقیقاً اشکال همین جاست که اغلب علمابیت رافقط در محور افقی دیده و بررسی کرده اند و به بیت‌های قبل و بعد توجهی نکرده‌اند.

بنابراین بیت دوم را به نظر راقم این سطور نباید به تنهایی و در محور افقی بررسی کرد. بلکه باید با بیت‌های قبل و بعد آن خوانده شده، با توجه به فضای قصیده در محور عمودی شعر درباره‌ی آن قضاوت شود.

داستان در این قصیده این است که انوری با اسب پیری که به قول او یادگار نوح پیغمبر است و همراه با او و سایر حیوانات در کشتی بود، سر صحبت را باز می‌کند. از اسب می‌پرسد: ای پیر مبارک، بگو از خبرهای صریر آسمان چه شنیده‌ای بگو دیده‌ی سرّ تو از خطرهای سپهری چه دیده است؟ حال آدم را برای من بگو و قصه‌ی نوح و ذبح خلیل و ناقه‌ی صالح چه بود؟ رخس رستم چطور می‌دوید؟ پیامبر در شب اسری چگونه هفت آسمان را طی کرد؟

و بعد می گوید قصه‌ی بیعت علی با ابوبکر چه بود و آن فضل اقیلونی که ابوبکر می‌گفت مرا رها کنید که علی شایسته‌تر است، چه بود؟ و آن مصلحت دید علی چگونه فتنه‌ها را خوابانید؟ و بلافاصله در بیت بعد می‌پرسد بگو حیدر کرار چگونه عمرو عنتر را شکست داد و رستم چگونه صف گردان لشکر را پاره کرد و پیش رفت؟

با این وصف، ظاهراً یا کارهای حضرت علی (علیه السلام) را معجزه می‌داند و می‌گوید مثل معجزه از درک من خارج‌اند و یا آن‌ها را کار خدا یا به عبارت دیگر جبری می‌داند و از طرفی این نقد بر شعرا و وارد است که چرا قصه‌ی ولایت حضرت امیر (علیه السلام) را که اظهر من الشمس بود با موضوع رخس و قصه رستم که نامفهوم و اساطیری است همراه می‌کند. در حالی که ولایت حضرت علی (علیه السلام) نه معجزه و خارق‌العاده بود که از درک افراد خارج باشد و نه مانند داستان‌های اساطیری، غلو بود و نامفهوم و اصلاً نیازی نبود که از اسب پیر بپرسد.

دکتر سید جعفر شهیدی از افاضل و اعلام متأخر در توضیح بیت اول آورده است: «مسئلاً انوری سنی مذهب است و ظاهراً در معتقدات کلامی اشعری و در فقه حنفی است، (هر چند ابوحنیفه و فتوای او را به باد طنز گرفته است) بنابراین تشبیه محروم بودن خود را از درگاه ممدوح — که یقیناً خویش را در خور تقرب بدو می‌دانسته — به محروم ماندن علی (علیه السلام) از خلافت و زهرا (سلام الله علیها) از فدک خالی از تعریض نیست.

محمد تقی مدرس رضوی در تعلیقات دیوان انوری درباره‌ی بیت دوم می‌نویسد: «بیت اشاره به خلیفه‌ی اول ابوبکر است، که پس از بیعت با او سر منبر آمد و گفت: «اقیلونی و لست بخیرکم و علی فیکم»؛ مرا رها کنید و از خلافت معذور دارید زیرا من بهترین شما نیستم در حالی که علی (علیه السلام) بین شماست. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۵) و فرمایش حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ی شقشقیه ناظر به همین قول ابوبکر است که فرموده‌اند: «فیا عجباً بینا هو یستقیلها فی حیوته اذ عقدها لآخر بعد وفاته»؛ یعنی «شگفتا! ابابکر که در حیات خود از مردم خواست عذرش را بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری در آورد؟»

بنابراین سخن حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ی شقشقیه خود تعریض به ابوبکر است.

نظر دیگر علمای متقدم درباره ی تشیع انوری

علامه محمدعلی مدرس تبریزی در *ریحانۃ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیته او لقب با تکیه بر نظر قاضی نورالله شوشتری درباره انوری* گفته است: «انوری ایبوردی - علی بن اسحق، از اهل خاوران، حکیم متکلم و لقبش اوحد الدین، از اکابر شعرای ایران و کمالات وی مسلم اهل دورانست. باری از اشعار انوری که مجالس المؤمنین نقل کرده، حسن عقیدت وی ظاهر و هویدا است.» (مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۱۹۸)

معصوم علی شاه شیرازی در *طرائق الحقایق* درباره انوری مینویسد: «حکیم اوحد الدین انوری ایبوردی، دیوان شعرش معروف و بفضائل موصوف و الحق اشعار او دال بر فضائل اوست.» و از باب شرافت به آن دو بیت که در مجالس المومنین آمد و از آن یاد شد کفایت نمود و افزود «و سید شهید قاضی نورالله علیه الرحمه، در مجالس محامد وی را ذکر نموده و در آن کتاب است.» (شیرازی، ۱۳۳۹ ش، ج ۲، ص ۵۹۲)

میرزا عبدالله افندی در کتاب *ریاض العلماء در باب القاب*، پس از ذکر نام انوری می نویسد: «وی از مشاهیر حکماء شیعه است و جماعتی بر شیعه بودن وی تصریح کرده و اشعاری که صراحت در تشیع او دارد ذکر کرده اند.» (مدرس رضوی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۱۶)

سید محسن امین عاملی هم در کتاب *اعیان الشیعه* می نویسد: اشعار منسوب به انوری که در کتاب *هدیه الاحباب* آمده بر تشیع او دلالت می کند و بر این اساس او را شیعی مذهب دانسته است.

آقا بزرگ طهرانی مؤلف "*الذریعه*" دیوان انوری را در ردیف دیوان های شعرای شیعه آورده است و با استناد به گفته صاحب *الریاض* وی را از حکمای شیعه می داند. (آقا بزرگ طهرانی، ج ۹، ص ۱۰۹). عده ای دیگر از علما و فضلا نیز اغلب با استناد به آن دو بیت ظاهراً مشهور انوری قائل به تشیع انوری هستند.

اما آنچه محققان متأخر از اشعار وی استنباط کرده‌اند به گونه ای دیگر است که درباره‌ی آن بحث خواهیم کرد.

نظر فضلالی متأخر درباره‌ی تشیع انوری

از میان کسانی که درباره‌ی انوری دست به تحقیقات و تألیفاتی زده‌اند، سعید نفیسی، مصحح دیوان انوری چنانکه از مقدمه‌ی کتاب او و گزارشات موجود در آن برمی‌آید، قائل به تشیع انوری است. محمدرضا شفیعی کدکنی مؤلف کتاب مفلس کیمافروش در کتاب ارزشمند خود به نقد و تحلیل زندگی و شعر انوری پرداخته، اما هیچ سخنی از مذهب انوری نگفته است. محمدمتقی مدرس رضوی و سیدجعفر شهیدی نظری متفاوت دارند و انوری را از اهل سنت می‌دانند.

مدرس رضوی، مصحح دیوان انوری در این باره می‌نویسد: « آنچه از اشعار وی استنباط می‌شود این است که وی شافعی مذهب و پیرو اهل سنت و جماعت بود، چه چنانکه در اشعار او مکرر آمده است از خلفاء چهارگانه یاد کرده و آنها را ستوده و از رافضی و خوارج بد گفته و بیزاری جسته است چنانکه گوید:

نه در پیام تو لا گفته‌ام به هیچ طریق نه در رسالت او منکرم به هیچ نسق

نشتمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی
نه در خلافت بوبکر دم زنم به خلاف نه امامت فاروق در کجال نطق

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

نه در نشست عثمان چو رافضی بدگوی نه در شجاعت حیدر چو خارجی احمق

سر خوارج خواهم شکافته چو انار دل روافض خواهم کفیده چو زورق

(ج ۱، ص ۲۷۳ و ۲۷۴)

و در قصیده‌ی دیگر گوید:

سبو مصطفی شریف قریش که ز جمع رسل عزیزترست

به صفا و وفا و صدق عتیق که ز دل جان فروش و شرع خروست

به دلیری و هیبت عمری که ظهور شریعت از عمرست

به حیا و حیات ذوالنورین که حقیقت مؤلف سورست

به کف و ذوالفقار مرتضوی که بحرب اندرون چو شیر نر است

(ج ۱، ص ۶۴ و ۶۵)

و قصیده‌ی دیگری نیز ذکر کرده می‌افزاید: «این اشعار و اشعار دیگری که در تعریف خلفاء گفته صریح است که وی شیعی مذهب نیست و از پیروان اهل سنت و جماعت است. منتهی به امیرالمؤمنان و خاندان مصطفی (علیه السلام) بیش از دیگران معتقد بوده و شاید علی (علیه السلام) را بر دیگران تفضیل نهاده است، چنانکه جماعتی از علماء سنت و جماعت بر این طریقه رفته اند... در بعضی از اشعار وی اشاراتی یافت می‌شود که عدم اعتقاد او را به مذهب حنفی و کرامی نشان می‌دهد بنابر این ظاهر آن است که پیرو امام شافعی بوده است.» (مدرس رضوی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷)

در تکمیل نوشته‌های مدرس رضوی می‌توان گفت با توجه به اینکه در دوره انوری بحث تقیه مطرح نبود هر جا از خلفای چهارگانه یاد کرده است همیشه با ترتیب خاص از ابوبکر، عمر، عثمان، حضرت علی (علیه السلام) و معمولاً بعد از نام پیغمبر با احترام تمام نام برده است و حتی از خلیفه به خصوص عمر بیش از حضرت علی (علیه السلام) تعریف کرده است.

بیت زیر شاهد دیگری از اشعار او در مدح خلفای چهارگانه است:

به هول جنبش محشر به حق مصحف مجد به ذات ایزد بی چون به جان پیغمبر

به اعتقاد ابوبکر و صولت فاروق به ترسکاری عثمان و حکمت حیدر

(ج ۱، ص ۲۱۷، بیت‌های ۹ و ۱۰)

بیت زیر نیز احتمالاً شاهد دیگری بر این مدعاست، زیرا بعضی گفته‌اند مقصود از پنج عمده حضرت رسول و خلفاء راشدین وی که عبارت از ابوبکر، عمر، عثمان و حیدراند، باشند.

بنابر این قول معنی آن است که این بزرگان دین اسلام که اساس اعتلاء دین بودند و به واسطه آنها بنیاد اسلام نهاده شد پیغمبر اکرم و چهار یار او بودند و تا تو عماد دین شدی و پشتیبان آن گردیدی بزرگان اسلام شش تن شده و همه معظم‌اند.

برنیچ عمده بودی دین را اساس و اکنون تا تو عماد دینی شد شش همه معظم

(ج ۱، ص ۳۳۶، بیت ۴)

سید جعفر شهیدی در مقدمه کتاب شرح لغات و مشکلات دیوان انوری می‌گوید: «هرچند از محتویات شعر شاعر مخصوصاً شاعری که سروده‌های او مدح کسانی باشد که به آنان چشم طمع دارد، نمی‌توان گفت وی چه دینی یا چه مذهبی و یا چه عقیده‌ای داشته است، اما با مطالعه محیطی که در آن به سر می‌برده و افکار عقایدی که بر آن محیط حکومت می‌کرده است، به حدس و تقریب می‌توان گفت انوری مسلمانی است در اصول اعتقاد، اشعری در فروع حنفی.» (تمهیدی، ۱۳۶۴ ش، مقدمه ص کز و کج)

چهره ابوبکر و عمر در شعر انوری

انوری در اشعار خود چند جا از ابوبکر با احترام یاد می‌کند. از جمله در بیت زیر که منظور او از دل و جان فروش و شرع‌خر اشاره به این مطلب است که ابوبکر در زمان حیات رسول (ص)

مال خود را در راه خدا داد و بندگانی را که از کافران قریش آزادی دیدند خرید و آزاد کرد.
(شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۷۰)

به صفا و صدق عتیق که دل و جان فروش و شرع‌خر است

(ج ۱، ص ۶۵)

در بیت زیر هم به اعتقاد ابوبکر قسم می‌خورد و می‌گوید:

به اعتقاد ابوبکر و صولت فاروق به ترسکاری عثمان و حکمت حیدر

(ج ۱، ص ۲۱۷)

عمر نزد اهل تسنن از بین خلفاء چهارگانه محبوب‌تر است مضامین اشعار انوری و ذکر مناقب عمر نسبت به سه خلیفه دیگر نیز در سروده‌های او مؤید این مطلب است. او در شعری از یار غار بودن عمر سخن به میان می‌آورد و معتقد است که ظهور شریعت از عمر است و دین اسلام با عمر قوی شد و جان گرفت. در بیتی نیز به صراحت بیان می‌کند که هرگز در خلاف خلافت

ابوبکر و امامت عمر دم نمی‌زنم. **ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی**

همچنین در بررسی اشعار دیوان انوری، بیش از همه اوصاف، به عدل عمر اصرار دارد چنانکه می‌گوید دین محمد (ص) به داد و عدل عمر نظام گرفت و زمین با عدل عمر از جور تهی گشت.

سوگند مخور که من ترا دانم دانم که به قول استوار آیی

گر عشق ز انوری در آمد زی حقاً که به کفر یار غار آیی

(ج ۲، ص ۹۴۰، بیت ۳)

به دلیری و هیبت عمری که ظهور شریعت از عمرست

(ج ۱، ص ۶۵، بیت ۲)

دین به عمر شد قوی گرچه پس از عهد او باقی ناموس کفر خنجر حیدر شکست

(ج ۱، ص ۹۳، بیت ۷)

به ترسکاری عثمان و حکمت حیدر

(ج ۱، ص ۲۱۷، بیت ۱۰)

نه در امامت فاروق در جمال نطق

(ج ۱، ص ۲۷۴، بیت ۱)

زان روی که عدل تو چون عدل عمر آمد

(ج ۱، ص ۱۴۰، بیت ۱۵)

چنانکه دین محمد به داد و عدل عمر

(ج ۱، ص ۱۹۶، بیت ۷)

وز جور تهی کرد زمین عدل عمر

ای عدل عمر بیا بین عدل عمر

به اعتقاد ابوبکر و صولت فاروق

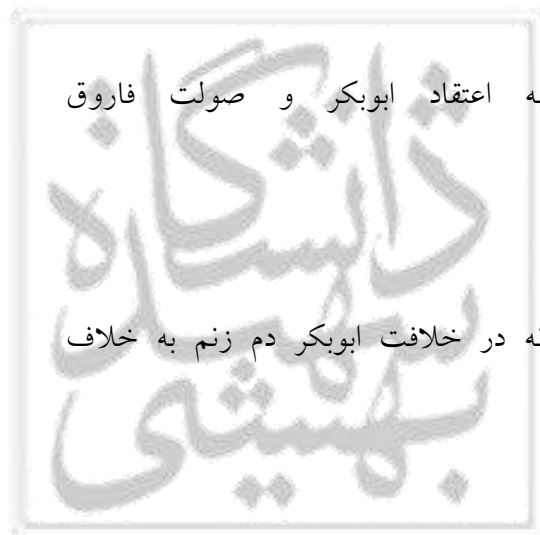
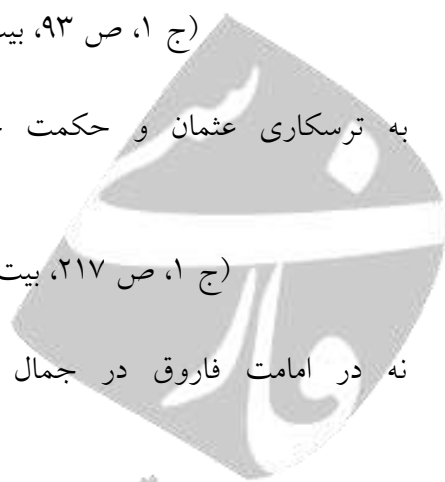
نه در خلافت ابوبکر دم زخم به خلاف

نام تو بی تربیت نام عمر داد

محمد آنکه وزارت بدو نظام گرفت

وی گر بفزود و عزّ دین عدل عمر

امروز به صد زبان جهان می‌گوید



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

(ج ۱، ص ۹۹۵، بیت ۱ و ۲)

انوری همچنین در سه بیت از اشعار خود به حدیثی اسناد کرده است که در وصف فضائل عمر و به نقل از حضرت محمد (ص) در مسند احمد بن حنبل که از کتب اهل سنت و جماعت است نقل شده است:

او در مدح صفی الدین عمر که از علمای بزرگ و زاهد و خطیب و مفتی بود می‌گوید:

عمر که وارث عدل و صلابت عمر است

صفی ملت اسلام و نجم دین خدای

(ج ۱، ص ۵۸)

صلابت عمر در این بیت ناظر به حدیثی در وصف اوست که از طریق سنت و جماعت نقل شده است «والذی نفسی بیده لقیک الشیطان قطّ سالکاً الا سلکاً فجاً غیراً فجعک» (شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۶۶) (مسند احمد ابن حنبل مع دارالمعارف مصر حدیث ۱۶۲۴، ۱۵۸۱، ۱۴۷۲)

همچنین بیت‌های زیر:

دیو چندان علم زند که نبی مکه بی سایه عمر دارد

(ج ۱، ص ۱۲۶، بیت ۱۶)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

معرکه مکر دیو ظلّ عمر بشکند چرخ که نظاره بود دید که منکر شکست

دین به عمر شد قوی گرچه پس از عهد او باقی ناموس کفر خنجر حیدر شکست

(ج ۱، ص ۹۳، بیت ۶ و ۷)

اشاره‌ایست به حدیث طولانی که در مسند احمد آمده است: «حاصل اینکه روزی عمر نزد حضرت رسالت شد و پیغمبر را خندان دید. گفت همیشه خندان بادی ای پیامبر خدا. رسول الله

(ص) فرمود: از این زنان به شگفتم گه نزد من بودند و چون بانگ تورا شنیدند حجاب گرفتند. عمر گفت: سزاوار است که از تو بترسند. سپس زنان را گفت که از من می ترسید و از پیغمبر خدا نمی ترسید؟ گفتند بلی. تورا درشت تر و خشن تر از پیغمبر می بینم. رسول خدا فرمود: «والذی نفسی بیده لقیک الشیطان قطّ سالکاً الا سلکاً فجاً غیر فحک» شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۹۷ (به نقل از سند امام احمد ابن حنبل).

سیمای حضرت علی (علیه السلام) در اشعار انوری

در دیوان انوری دهها بیت درباره حضرت علی (علیه السلام) آمده است که محور اصلی آنها ذوالفقار حضرت علی و جنگاوری ایشان بود. از همه مناقب و فضائل حضرت فقط یک جا از شجاعت و در جایی دیگر از حکمت و نیز از علم حیدری سخن گفته است که متأسفانه علم ممدوح خود را بر علم حضرت ترجیح نهاده است. و مضمون بیت ایناست که جودحاتمی (حاتم طائی) فقط جزئی از سخای دست ممدوح اوست و علم حیدر را فقط نوعی از علم او می توان به حساب آورد، البته در جای دیگری از دیوان هم دیده شده که ممدوح خود را به اغراق، نه برتر ولی هم سطح پیامبر دانسته است، و در قصیده ای هم که شرح آن خواهد آمد وصلت حضرت فاطمه (سلام... علیها) با حضرت علی (علیه السلام) از طالع و بخت حضرت و توفیق خدای متعال می داند، که به نظر می رسد تعریضی در آن پنهان است، و با تامل در کل شعر نوعی نارضایتی یا حسد و حسد از فضای شعر او احساس می شود در حالی که همین بیت را به تنهایی در محور افقی و بدون توجه به فضای کل شعر (محور عمودی) بخوانیم شاید برداشت بهتری بتوان کرد اگرچه به تنهایی هم از غرض خالی نیست.

نکته ی مهم تر در باب همین قصیده این است که انوری کسانی را مدح می کند که مراسم عقد و یا عروسی آنها در ۱۹ ماه مبارک رمضان، روز ضربت خوردن حضرت علی (علیه السلام) بوده است و این روز را برای عروسی روزی نیک و اختیار این روز را نشان بهروزی آنها می داند. در حالی که شیعیان در روزهای ضربت خوردن و وفات حضرت علی (علیه السلام) جشن عروسی برگزار

نمی‌کنند بلکه لباس سیاه پوشیده و به سوگواری می‌پردازند. نمونه‌هایی مانند این ابیات سبب شک کردن به تشیع انوری می‌شود، و حتی تا حدودی سنی بودن او را محرز می‌کند.

مدح یکی از اقوام پادشاه در عقد یا عروسی او:

عقد تو عین عقیدت بود خواهد روز و شب
سور تو عین سرور و شادمانی جاودان

از نثار تو شده یاقوت‌پاش و درفشان

زیر طاق عرش، طاووس ملایک، جبرئیل

وصلتی کردی به توفیق خدای مستعان

هم بر آن طالع که با زهرا علی مرتضی

وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب

اختیاری بود کان باشد ز بهروزی نشان

نوزده روز از مه روزه گذشته روز نیک

(ج ۱، ص ۳۶۷، بیت ۵-۱)

نشست همایش ملی پژوهش‌های ادبی

تیغ جهادت از پی تمهید اقتداس
ایمن چو ذوالفقار ززنگار روزگار

(ج ۱، ص ۱۷۳، بیت ۹)

آنکو چو به حرب تاخت گیرد
بر دلدل تند مرتضی را

(ج ۱، ص ۴، بیت ۱۶)

حیدر شرع کرم بازوی احسان توست

کین در روزی گشاد وان در خبیر شکست

(ج ۱، ص ۹۲، بیت ۷)

پیغام تو به فکر درافکند اضطراب

از مرتضی نه زلزله در خبیر اوفتاد

(ج ۱، ص ۲۰، بیت ۱۴)

از جمجمه ذوالخمار باشد

با تیغ جهادش نمود کاری

(ج ۱، ص ۱۳۱، بیت ۹)

در دست علی ذوالفقار باشد

در دست تو گویی که خنجر تو

(ج ۱، ص ۱۳۲، بیت ۱۰)

ای در نبرد حیدر کرار روزگار
وی راست کرده خنجر تو کار روزگار

(ج ۱، ص ۱۷۲، بیت ۱)

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

کای در نبرد حیدر کرار روزگار

دانی جز به حال تو لایق نباشد این

(ج ۱، ص ۱۷۴، بیت ۵)

ای به مردی چو حیدر کرار

این به مملکت چو وارث داوود

(ج ۱، ص ۱۹۴، بیت ۴)

به روز جنگ با دستان رستم به پیش خصم با پیکار حیدر

(ج ۱، ص ۲۲۴، بیت ۱۰)

چون رکاب تو گران گردد عنان تو سبک روز هیجا ای سپاهت انجم و میدان فلک

قایل تکبیر فتح از آسمان گوید که هین القتال ای حیدر ثانی که النعره معک

(ج ۱، ص ۲۲۷، بیت ۴ و ۵)

ذوالفقار نطق تاج الدین شریعت را به آن به معنی توأمان با ذوالفقار حیدری

(ج ۱، ص ۴۷۱، بیت ۶)

تو بر پشت رخی چو رستم خرامان به کف ذوالفقاری چو حیدر گرفته

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی (ج ۱، ص ۴۳۵، بیت ۲۰)

حصین تو حصارى که وهمش نگیرد در آن کر و خر وهن خیبر گرفته

(ج ۱، ص ۴۳۵، بیت ۲۱)

گفت نصرت نی مرا بازوی شمس می پرورد لاجرم هر ذوالفقاری را بیاید حیدری

(ج ۱، ص ۴۶۶، بیت ۱۵)

باشد از روی نسبت و صولت سوی دشمن چو حمله آغازی

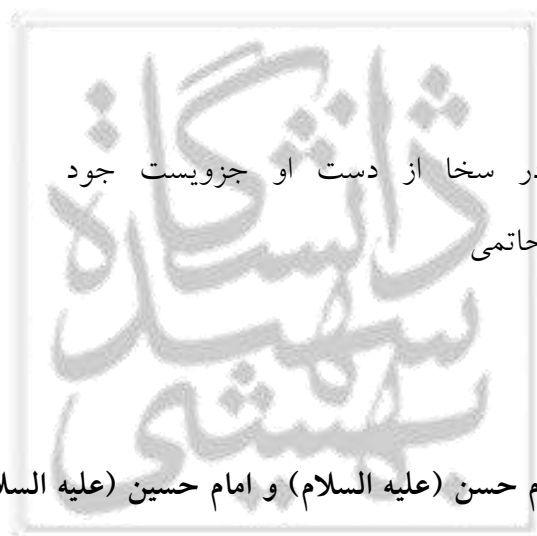
تیغ تو تیغ حیدر عربی کوس او طبل حیدر رازی

(ج ۱، ص ۴۷۶، بیت ۱۱ و ۱۲)

بر سر شمشیر تو جز حق نمی داند قضا حکم شمشیر تو حکم ذوالفقار حیدرست

(ج ۱، ص ۵۴۰، بیت ۱۵)

وز هنر از رأی او نوعیست علم حیدری



(ج ۱، ص ۴۶۱، بیت ۳)

امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) انوری در بیت زیر به ممدوح خود می گوید مرا عفو کن حتی اگر گناه من مثل گناه قاتل امام حسین (علیه السلام) باشد. در این بیت نیز نوعی کم اهمیت جلوه دادن و کوچک شکر کردن گناه قاتلین امام

حسین (علیه السلام) آشکار است. ۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

ای جوادی که خاک پایت را بوسه ده گشته هر که تاجورست

عفو فرمای گر مثل گنهم خون شپیر و کشتن شپیر است

(ج ۱، ص ۶۶، بیت های ۱۲ و ۱۳)

یکی از بزرگان از اسب افتاده بود، انوری به عیادتش نرفت، بعد در عذر تقصیر خود شعری سرود با این مضمون که با افتادن تو از اسب چنان اندوه و بلایی به سر من آمد که کربلا به حسین نیاورده است. پوشیده نیست که در این تشبیه نوعی گستاخی، بی‌احترامی و کوچک‌نمایی واقعیهی بزرگ کربلا دیده می‌شود.

سقطه‌ی تو سواد مسکون را ای ز سگانش چون سواد از عین

به من ار کربت و بلا آورد که نیاورد کربلا به حسین

(ج ۱، ص ۷۱۰، بیت‌های ۲ و ۳)

حضرت مهدی (عج) امام دوازدهم، آخرین امام شیعیان است که در قید حیات است و به امر خدا در آخر زمان ظهور خواهد کرد، جهان را پر از عدل و داد می‌کند. شیعیان آرزومند ظهور او هستند و همیشه با احترامی خاص از او یاد می‌کنند. اما انوری از اینکه در بیت زیر با جسارت و گستاخی تمام، او را دربان ممدوح خود، میراب مرو بداند باکی نداشته است.

خاندان آبی از خاندان‌های مشهور عصر بوده‌اند. وی در مدح امیر فخرالدین آبی، میراب مرو سروده است:

درگاه تو باب اعظم عدلست مهدی شده نامزد به بوایی

(ج ۱، ص ۴۵۲، بیت ۹)

حضرت مهدی (عج) طبق معتقدات اهل سنت و جماعت متعدد است و آخرین آنان در آخر زمان می‌آید و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. (شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۱۲) در بیت زیر این اعتقاد دریافت می‌شود:

چشم بد دور که بس منتظم است آن دولت آری آن دولت را منتظمی معهودست

(ج ۱، ص ۵۶، بیت ۹)

احادیث

شیعیان و اهل سنت در بعضی احادیث فقهی و کلامی اختلاف دارند و نظر آنها متفاوت است. در دیوان انوری تلمیح و اشاره به احادیثی دیده می‌شود که ریشه در فقه و کلام اهل سنت دارند. همین مهم، یکی از عواملی است که می‌توان با استناد به آن ادعای تشیع انوری را نپذیرفت.

احادیث فقهی:

۱. نماز وتر، در لغت به معنی فرد و در فقه (به مذهب شیعه امامیه) نمازی است به یک رکعت و قنوت که پس از دو رکعت نماز شفع، قبل از طلوع فجر خوانده می‌شود ولی در مذهب ابوحنیفه، وتر سه رکعت است به یک سلام و قنوت در هیچ نماز واجب نیست جز در وتر (مدرس رضوی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۱۱۲۳) بنابراین با توجه به اینکه نماز وتر اما در فقه شیعه مستحب است و در مذهب ابوحنیفه واجب، بیت زیر از حنفی بودن مذهب انوری حکایت می‌کند.

من چو پیله‌ام قانع به یک نوع از غذا توأمان با صبر چون وتر حنفی با قنوت

(ج ۲، ص ۵۸۰، بیت ۳)

ای به تو مخصوص اعجاز سخن چون بوتر ای وتر در معنی قنوت

(ج ۲، ص ۵۸۰، بیت ۸)

۲. چهار تکبیر زدن یا گفتن کنایه از ترک کردن و پشت پا زدن به دنیا و مافیها است اما اهل سنت در نماز میّت چهار تکبیر می‌گویند. زیرا به عقیده شیعه در نماز راه پنج تکبیر گفته می‌شود. (شهیدی،

۱۳۶۴ ش، ص ۳۹۵)

۳. سه طلاق: یکی از اقسام طلاق بائن است که برای شوهر رجوع به مطلقه ممکن نیست و آن چنانست که شوی زن را طلاق دهد به طلاق رجعی، و در عده بدو رجوع کند. سپس او را طلاق گوید و باز بدو رجوع کند و در طلاق سوم شوهر حق رجوع به زن را ندارد. (اگر زن آزاد باشد و در کنیز بدو طلاق بائن می‌گردد) مگر با محلل و به مذهب شیعه سه طلاق گفتن جز بدین صورت که گفته شد تحقق نمی‌یابد (به نقل از روضه البهیة) اما در مذهب سنت سه طلاق را به یک صیغه و در یک مجلس می‌توان گفت. با توجه به چهار تکبیر که قبل از سه طلاق آمده و چون منظور از چهار تکبیر، مردن و ترک یکباره است احتمال دارد منظور از سه طلاق نیز در اینجا سه طلاق در یک دفعه و یک مجلس باشد که با فقه مذهب اهل سنت تطابق دارد.

چهار تکبیر کرد و سه طلاق

(ج ۱، ص ۲۷۱، بیت ۴)

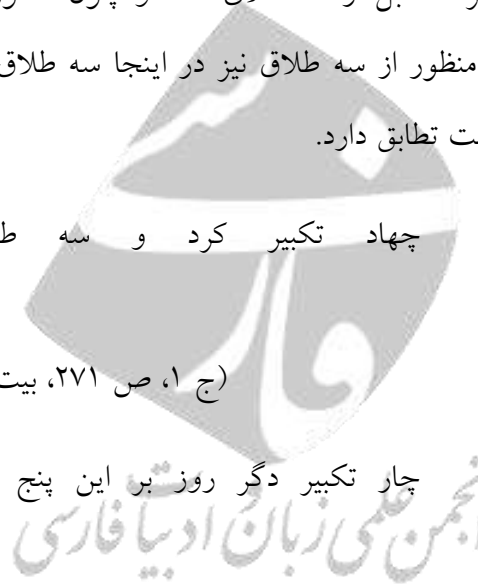
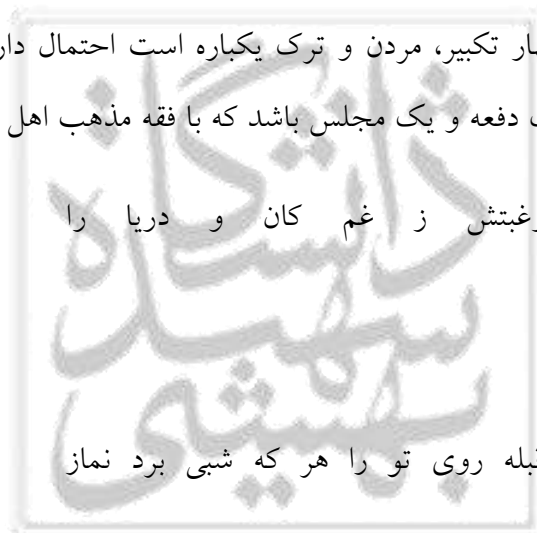
چهار تکبیر دگر روز بر این پنج کند

(ج ۲، ص ۸۳۳، بیت ۸)

۴. می در مذهب ابوحنیفه به شرط مست نکردن حلال است. در دیوان انوری که ظاهراً فقه او حنفی استیکی از موضوعاتی که بسا مد بسیار بالایی دارد شراب، انواع آن، ظروف و رسم و رسوم خوردن آن است. همچنین بیت زیر اعتقاد او را به مذهب حنفی نشان می‌دهد.

چو از روی معنی بهشتت بزمتم تو می خور چرا، می نباشد حرامت

(ج ۱، ص ۹۹، بیت ۸)



نشستین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

احادیث کلامی

۱. ارکان اسلام: شیعیان اعتقاد دارند فرق اسلام بر پنج پایه بنا شده است: ولایت، نماز، زکات، روزه و حج و درباره این موضوع احادیث و روایاتی نیز داریم. از جمله امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «اسلام روی پنج ستون بنا شده است: ولایت، نماز، زکات، روزه ماه رمضان و حج» (کلینی، ج ۳، ص ۲۹ و ۳۰)

ولی اهل سنت و جماعت اساس اسلام را بر چهار رکن می‌دانند و به اصل ولایت فقیه اعتقادی ندارند.

بر همین اساس یکی از دلایل ایجاد شک در تشیع انوری بیت زیر است:

به صلوه و صیام و حج و جهاد
که اصل اسلام از این چهار درست

(ج ۱، ص ۶۵، بیت ۹)

۲. رؤیت خداوند: اهل سنت اعتقاد دارند در قیامت خدا را می‌بینند اما شیعیان از آیه قرآنی

(لن ترانی یا موسی) لن ترانی را نفی ابدی می‌دانند و معتقدند حتی در قیامت خداوند را نمی‌توان با چشم سر دید.

در براهین رؤیت ایزد برترین حجتی جبین تو باد

(ج ۱، ص ۱۱۷، بیت ۴)

میزبان اول آنگهی خانه رؤیت الله نخست باز بهشت

(ج ۲، ص ۵۷۵، بیت ۵)

۳. سیصدوسیزده پیامبر مرسل واولی الامر

انوری در شعر زیر می گوید: عدد نام سنجر با پیغمبران مرسل یکیست و منظور از اولی الامر سنجر است. به حساب جمل سین شصت بود و نون پنجاه و جیم سه و را دو است است، مجموع آن سیصدوسیزده باشد بر عدد انبیا، و آفریدگار تعالی فرموده است: "اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم". (نفیسی، مقدمه، ص یک)

در صورتی که نزد شیعیان منظور از اولی الامر بنا بر روایات فقط ائمه (ع) هستند.

که فرستاده بهر وقت یکی را یزدان

بس بود قاعده نظم جهان چون ایشان

گویش: نی، رو "منکم" اولی

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

سیصدوسیزده پیغمبر مرسل بودند

نام سلطان بجمل چون عدد ایشانست

ورکسی گوید: ما صد همه سنجر نامیم



زانکه "منکم" زشما باشد از روی لغت **شعین هایش ملی پژوهش های ادبی** باز از روی حساب ار تو بدانی سلطان

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱ (ج ۲، ص ۶۹۹، بیت ۶، ۴، ۳، ۹، ۷ و ۱۰)

۴. اعتقاد به جبر:

الف) اکثر بزرگان شعرو ادب فارسی تا قرن دهم و دوره صفویه اشعری بودند، لذا جبرگرا هستند. به نظر اشاعره انسان در هیچ کاری صاحب اختیار نیست حتی در گناه. به نظر آنان انسان در گناه کردن کاره ای نیست و در حقیقت فاعلیت کار را کسب می کند، به نظر آنها خلقکم الله و ما تفعلون. (فرهنگ اشارات، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۱۰۷)

ب) در بیت زیر والا = والاد: سقف، دک: زمین سخت که پی برنگیرد. معنی بیت این است که چون عزت و ذلت بندگان به مشیت خداست نه بر حسب استحقاق، اگر ممدوح کسی را برکشد، به سنت الهی اقتدا کرده است. (شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۳۹۹)

ور به یزدان اقتدا کردست سلطان واجبست شاه والا بر نهاد چون حق نکردست دک

(ج ۱، ص ۲۷۷، بیت ۱۲)

ج) کلمه لا حول در بیت زیر از لا حول ولا قوة الا بالله است. یعنی حصول هیچ چیزی و توان وصول هیچ امری میسر نیست مگر به یاری خداوند و تأیید یزدان.

حال معنی بیت زیر این است که ممدوح اگر الان در دنیا پادشاه است خدا بر ایشان مقدر کرده و این که عدالت دارد هم خواست خداست. عدل (و قطعاً در نظر آنها بی عدالتی هم) به حول و قوة الهی بوده است یعنی خدا خواسته که عادل باشد پس این جور شده است و این نشانه عقیده به جبرگرایی در اعتقادات اشاعره و از جمله انوری است.

عدلشان گویی خاصیت لا حول گرفت چون قضا تهنیه‌شان گفت به کیتی بانی

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی
(ج ۱، ص ۴۸۰، بیت ۷)

د) نظریه کسب: به نظر اشاعره آنجا که فعل از انسان سر می‌زند، اراده خداوند هم در همان لحظه بدان تعلق می‌گیرد و به این نظریه کسب می‌گفتند. اشاعره اگرچه خود را آشکارا جبری مذهب نمی‌دانستند اما افعال انسان را مخلوق خود انسان نمی‌دانستند و با ابداع نظریه کسب (پرده روی عقیده جبری خود می‌گذاشتند) (فرهنگ اشارات، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۱۰۷ تا ۱۰۹)

ما را برون ز حکمت یونانیان چه هست تقلید مکیان و قیاسات کوفیان

نان حلال کسب خوریم از طریق علم ادرار چون خوریم چو جُهال صوفیان؟

(ج ۲، ص ۷۰۴، بیت ۱ و ۲)

در اینجا منظور از قیاسات کوفیان، قیاسات ابوحنیفه است. قیاس، در لغت اندازه گرفتن بود و در اصطلاح صوفیان عبارت است از معنی استنباط شده از نص، به خاطر اجراء حکم از موضوعی که در آن نص وارد شده است به غیر آن. (تعریفات جرجانی) قیاس یکی از ادله تفصیلیه است که فقهای عامه به وسیله آن احکام شرعی فقهی را استنباط می‌کنند و آن اجراء حکمی است از موضوعی که در آن دلیلی وارد شده است، به موضوع مشابه آن که دلیلی ندارد. و نخست ابوحنیفه بود که به قیاس عمل کرد و اتباع او ابویوسف و دیگران از وی پیروی کردند. نظر انوری در بیت مورد بحث، به ابوحنیفه و شاگردان اوست.

فقهای شیعه امامیه این نوع از قیاس را نمی‌پذیرند و روایاتی در ذم قیاس از ائمه (علیهم السلام) رسیده است. از جمله روایت ابن شیعۀ خراسانی است بدین مضمون: «از ابی عبدالله شنیدم که گفت اصحاب قیاس علم را از راه قیاسات خواستند و جز دوری از حق چیزی بدانها نداد، و کسی که به قیاس عمل کند بدین خدا نرسد.

همچنین روایت ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «سنت با قیاس ممکن نشود، نبینی که حائض روزه را باید قضاء کند و قضاء نماز بر او نیست. ای ابان احکام فقه اگر با قیاس به دست آید دین نابود می‌شود.» و همچنین روایات محمد بن حکیم و سماعه بن مهران از موسی بن جعفر (علیه السلام) که امام در آن روایات، ابوحنیفه را به خاطر عمل به قیاس لعنت فرستاده است.

بلی انواعی از قیاس است که فقهای شیعه آن را می‌پذیرند مانند قیاس مستنبط العله و منصوص العله و تفصیل مسئله در علم اصول است. (شهیدی، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۶۲ و ۵۶۱)

نتیجه گیری

هویت مذهبی انوری شاعر نامدار و سخنور مشهور ایران زمین تاکنون به وضوح روشن نشده است. به گونه ای که در منابعی همچون مجالس المؤمنین، ریحانه الادب، طرائق الحقایق، ریاض العلماء، اعیان الشیعه و نیز در بزرگترین کتاب شناسی کتب شیعی "الذریعه" او را شیعه و بعضی همچون سید جعفر شهیدی و مدرس رضوی وی را از اهل سنت می دانند. این پژوهش پس از تحقیق و تفحص در دیوان شاعر شواهد تازه ای برای روشن شدن هویت وی ارائه کرده و به دلایل زیر احتمال می دهد که این شاعر پرآوازه از اهل سنت باشد:

۱. با وجود حاکمیت نهادهای شیعی مانند باوندیان انتخاب دربار سلجوقیان و بیش از ۳۰ سال خدمت به آنها.

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

۲. تحصیل در مدرسه نظامیه نیشابور در صورتی که این مدارس فقط وقف مذهب شافعی بود.

۳. رعایت همیشگی ترتیب در آوردن نام خلفای چهارگانه و قائل شدن احترامی خاص به آنها و ذکر مناقب و مدح و ستایش آنان.

۴. تلمیح به احادیثی که در فقه اهل سنت ریشه دارند و با فقه شیعیان مطابقت ندارند.

۵. از همه مهم تر عدم علاقه به ائمه معصومین (علیه السلام) و پرهیز از تولی به آنهاست، تا آنجا که در اغلب موارد هر وقت از آنها نام می برده ممدوح خود را بر آنها ترجیح داده و حتی گاهی بی- احترامی های آشکاری دیده شده است.

نتیجه دیگری که پس از بررسی در کتاب هایی مانند ریحانه الادب، طرائق الحقائق، هدیه الاحباب، ریاض العلماء، اعیان الشیعه و چند کتاب دیگر به دست آمد، تکرار بدون تحقیق گفته های دیگران

بوده است، اینان بدون بررسی دقیق در دیوان شاعر و فقط با اعتماد و استناد به کتاب قبلی و به خصوص آوردن همان دو بیت ظاهراً مشهور دربارهٔ هویت مذهبی و اعتقاد شاعر اظهار نظر کرده و گفته‌های همدیگر را عیناً نسل به نسل نقل کرده‌اند.

منابع

- امین، سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ تحقیق حسن امین؛ ج ۳، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- انوری، علی بن محمد؛ دیوان انوری؛ تصحیح محمد تقی مدرس رضوی؛ چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- انوری، علی بن محمد؛ دیوان انوری؛ تصحیح سعید نفیسی؛ مؤسسه مطبوعاتی پیروز، تهران: ۱۳۳۷.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷ ش.
- شمیسا، سیروس؛ فرهنگ اشارات؛ ج ۱، تهران: میترا، ۱۳۸۷ ش.
- شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
- شهیدی، سید جعفر؛ شرح لغات و مشکلات دیوان انوری؛ چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- شیرازی، محمد معصوم (معصوم‌علیشاه)؛ طرائق الحقایق، تصحیح محمد جعفر محبوب، کتابخانهٔ ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی، تهران: ۱۳۳۹.
- صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران؛ چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۵.
- ضمیری، محمدعلی؛ تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، چاپ ششم، شیراز، راهگشا، ۱۳۷۵ ش.
- طهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء.
- علی بن ابیطالب (علیه السلام)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ چاپ هفتم، قم: نشر مشرقین، ۱۳۷۹.
- قزوینی، عبدالجلیل، کتاب نقض، تهران: انجمن آثار ملی؛ ش ۱۴۳، ۱۳۸۵ ش.

قمی ، حاج شیخ عباس ، هدیة الاحباب ، چاپ دوم ، تهران : موسسه انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۳ ش.

مدرس تبریزی، محمدعلی؛ ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب؛ ج اول، کتابفروشی خیام، بیتا.



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱